

ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی قصدشده در کتاب اخلاق اسلامی با برنامه درسی اجراشده و کسب شده در دانشگاه‌ها

رضا جعفری هرنندی^۱، سوسن بهرامی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارزیابی میزان همخوانی و انطباق برنامه درسی قصدشده، اجراشده و کسب شده اخلاق اسلامی در دانشگاه‌ها بود. روش پژوهش در برنامه درسی قصدشده تحلیل محتوا بود که اهداف کتاب درسی اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم) با اهداف بالادستی آن یعنی سرفصل مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مطابقت داده شد. در برنامه درسی اجراشده از روش توصیفی با تکنیک مشاهده استفاده شد و کیفیت تدریس اساتید با چک‌لیست تهیه شده مطابقت داده شد. در برنامه درسی کسب شده نیز از پدیدارشناسی با دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه قم، پردیس فارابی و دانشگاه صنعتی قم استفاده شد. برای اعتباربخشی به یافته‌ها، اطلاعات و نتایج به دست آمده به مشارکت کنندگان ارسال شد که آن‌ها صحت متن خروجی را تأیید کردند. نتایج پژوهش نشان داد که هر چند مطابقت قابل قبولی بین اهداف بالادستی و اهداف قصدشده کتاب اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم) وجود دارد، اما مواردی مانند آزادی و اختیار، نقش عقیده و عمل در تکوین شخصیت و اخلاق فردی از یاد رفته‌اند. در زمینه برنامه درسی اجراشده و تجربه شده هم مشخص شد که اساتید محتوای کتاب را به صورت مسئله‌محور، کاربردی و قابل فهم در کلاس تدریس کرده‌اند و به اشتراک گذاشته‌اند که نشان‌دهنده مناسب بودن و توفیق است. در برنامه درسی کسب شده هم آورده‌های جالب و جذابی برای دانشجویان و زیست اخلاقی آن‌ها فراهم شده است. در عین حال در این وجه از برنامه مشکلاتی مانند قدیمی بودن رویکردها و نپرداختن به علمای معاصر اخلاق، کسب تجربه سطحی و عمیق نبودن دانش‌ها و گرایش‌های کسب شده وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: دروس عمومی دانشگاهی، کتاب درسی اخلاق اسلامی، برنامه درسی قصدشده، برنامه درسی اجراشده، برنامه درسی کسب شده.

۱. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران.
۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران (Bahrami837@gmail.com) نویسنده مسئول.

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲)

Evaluating the Degree of Compliance of the Intended Curriculum in the Book of Islamic Ethics with the Implemented and Acquired Curriculum in Universities

Reza Jafari Harandi¹
Susan Bahrami²

Abstract

The purpose of the current research was to evaluate the degree of coherence and adaptation of the intended, implemented and acquired Islamic ethics curriculum in universities the research method in the intended curriculum was content analysis, which matched the objectives of the Islamic ethics textbook (basics and concepts) with its upper objectives, i.e, the title approved by the Supreme Council of the Cultural Revolution. Descriptive method with observation technique was used in the implemented curriculum and the teaching quality of professors was matched with the prepared checklist. In the acquired curriculum, phenomenology was used with undergraduate students of Qom University, Farabi Campus and Qom University of technology. to validate the findings, the obtained information and results were sent to the participants, who confirmed the accuracy of the output text. The results of the research showed that although there is an acceptable correspondence between the upstream goals and the intended goals of the book of Islamic ethics (basics and concepts), things such as freedom and discretion, the role of belief and action in the development of individual character and ethics have been forgotten. In the context of the implemented and experienced curriculum, it was also found that the professors taught the content of the book in a problem-oriented, practical and comprehensible manner in the class and shared it, which indicates the appropriateness and success. In the acquired curriculum, interesting and attractive lessons have been provided for students and their morals. at the same time, in this aspect of the program, there are problems such as old approaches and not paying attention to contemporary scholars of ethics, gaining superficial experience and lack of depth in the acquired knowledge and tendencies.

Keywords: general university courses, Islamic ethics extbook, intended curriculum, implemented curriculum, acquired curriculum.

-
1. Associate Professor in Educational Sciences Department, Literature & Human Sciences Faculty, University of Qom, Qom, Iran
 2. Assistant Professor in Educational Sciences Department, Literature & Human Sciences Faculty, University of Qom, Qom, Iran. Corresponding Author (Bahrami837@gmail.com)

مقدمه

یادگیرنده به وسیله برنامه درسی^۱ و تحت هدایت سازمان آموزشی دانش لازم را کسب می کند، مهارت ها را می آموزد و گرایش ها، قدرشناسی ها و ارزش ها را در خود ایجاد و تغییر می دهد (ملکی، ۱۳۹۸). برای طراحی، تدوین، اجرا و تجربه برنامه درسی معمولاً از تعابیر قصدشده، اجراشده و کسب شده استفاده می شود (جوهانسون^۲، ۲۰۰۳). برنامه درسی قصدشده^۳ آن چیزی است که از یادگیرنده انتظار می رود یاد بگیرد و در پرتو آن، آموزش به طور عمدی و آگاهانه برنامه ریزی و اجرا می شود. این برنامه از سوی برنامه ریزان درسی، متخصصان و کارشناسان نظام آموزش و پرورش در سطح ملی تهیه و تدوین و به مدارس تجویز می شود. برنامه درسی قصدشده از طریق تحلیل کتاب های درسی، راهنمای برنامه، امتحانات، دستورالعمل ها و بخشنامه های رسمی مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد (رویتایل^۴ و همکاران، ۱۹۹۳). منظور از برنامه درسی اجراشده^۵، اجرای برنامه درسی در کلاس بوده که نیاز به پشتیبانی دارد و براساس برنامه درسی مورد نظر و تفسیر و برداشت معلمان از آن در مدرسه و کلاس درس به اجرا گذاشته می شود (اشمیت^۶ و همکاران، ۱۹۹۷). در واقع تفسیر، درک و برداشتی از برنامه درسی قصدشده توسط معلمان است که با توجه به تجربه و اعتقاد آن ها در کلاس های درس به اجرا گذاشته می شود. برنامه درسی کسب شده^۷ نیز به یادگیری هایی که از طریق به اجرا درآمدن برنامه درسی در مجموعه دانش ها، مهارت ها و نگرش های یادگیرنده به وجود می آید که افراد واقعاً از کلاس درس به دست می آورند و مفاهیم و محتوایی که حقیقتاً یاد می گیرند و به خاطر می سپارند. این برنامه به نتایج حاصل از رویدادهایی که در داخل کلاس درس اتفاق می افتد، اشاره دارد. برای گردآوری اطلاعات در این برنامه از پرسش نامه نگرش سنج دانش آموز و نمونه سیاهه رفتار (چک لیست مشاهده رفتار) استفاده می شود. پس برنامه درسی کسب شده، انتظارات یادگیری است که از طریق به اجرا درآمدن برنامه درسی در مجموعه ای از دانش، مهارت، و نگرش ها به وجود می آید (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۸).

اگر فاصله و ناهماهنگی زیاد بین هر یک از این برنامه های ذکر شده وجود داشته

1. Curriculum
2. Johansson
3. Intended Curriculum
4. Robitaille, Schmidt, Raizen, McKnight, Britton & Nicol
5. Implemented Curriculum
6. Schmidt, Raizen, Britton, Bianchi & Wolfe
7. Acquired Curriculum

باشد، به‌عنوان ضعف اساسی در نظام آموزشی قلمداد می‌شود. همخوانی برنامه درسی حصول اطمینان در هماهنگی نزدیک و دقیق برنامه‌های درسی قصدشده، اجراشده و کسب شده است. از این رو محققان معتقدند، میزان همخوانی بین برنامه درسی قصدشده، کسب شده و اجراشده، در واقع بر رشد کیفی برنامه دلالت دارد. هر نظام آموزشی در صدد است تا با نظارت بر فرایند اجرای برنامه درسی تا حد امکان بتوانند ارتباط بین این سه نوع برنامه را تشخیص دهد تا فاصله میان برنامه درسی قصدشده، برنامه درسی اجراشده و برنامه درسی کسب شده را کاهش یابد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۸). بدین ترتیب، در یک برنامه درسی مطلوب بایستی بین این سه نوع برنامه تا حد زیادی هماهنگی و انطباق وجود داشته باشد.

«برنامه‌ها و سرفصل درس اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم» دانشگاه‌ها که سال ۱۳۸۳ در شورای عالی انقلاب فرهنگی طراحی، تدوین و تصویب شد و هدف عمده آن آشنایی دانشجویان با فضایل و رذایل اخلاقی در راستای کسب فضایل و پرهیز از رذایل اخلاقی (عناوین و سرفصل‌های جدید دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱، ص ۵۲) است، از این امر مستثنی نیست و باید بین سطوح سه‌گانه آن (قصدشده، اجراشده و کسب شده) هماهنگی و انطباق منطقی وجود داشته باشد. درحقیقت، وجود همخوانی میان سه برنامه درسی ذکرشده، نشانه موفقیت آن برنامه است.

سرفصل‌های مصوب درس اخلاق اسلامی که در دوره کارشناسی دانشگاه‌ها ارائه می‌شود از پنج فصل تشکیل شده و شامل کلیات، مبانی اخلاق اسلامی، فضیلت‌های اخلاقی ایمانی، فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی و آشنایی با برخی رذایل اخلاقی و در آخر نیز منابع کتاب است. در فصل اول از اهمیت و ضرورت اخلاق، تعریف، رابطه علم اخلاق با علوم دیگر، تاریخچه و رویکردهای مختلف در اخلاق اسلامی ذکر شده است. فصل دوم مبانی هدفمندی انسان، آیین بندگی و توانمندی انسان برای اخلاقی زیستن پرداخته است. فصل سوم از فضایل و رذایل اخلاقی در قرآن و روایات و هشت فضیلت اخلاقی ایمانی (محبت، تسلیم، خوف و رجاء، توکل، شکر، صبر و استقامت، اخلاص، و اعتدال) سخن می‌رود. فصل چهارم، نه فضیلت اخلاقی اجتماعی (احسان، عدل، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح میان مردم، عفت، نیکو سخن گفتن، عفو، همیاری در کار نیک، و اهتمام به امور مسلمین) بیان شده است. فصل پنجم هفت رذیلت اخلاقی (ارتکاب گناه، پیروی از هوای نفس، غضب، طمع، حسد، تکبر، و لجام گسیختگی زبان، و راه‌های مهار کردن آن) ارائه شده است (داودی، ۱۳۹۱).

با توجه به پیشینه پژوهش و جست‌وجوی دقیق در این زمینه، مشخص شد که اکثراً مبتنی بر پژوهش‌ها کمی و بررسی موانع اجرایی (برنامه‌اجراشده) بودند. در این زمینه فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۶) در ارزشیابی همخوانی‌ها و ناهمخوانی‌های برنامه‌دستی قصدشده، اجراشده و کسب‌شده اخلاق اسلامی نشان داد که در تدوین اهداف درس تا حدودی پوشش‌دهنده نیازهای فردی و اجتماعی دانشجویان در یک جامعه اسلامی است. میزان همسویی بین سرفصل‌ها با اهداف درس، نسبتاً مطلوب بود. میزان همخوانی محتوای انتخاب‌شده اساتید با سرفصل این درس مطلوب نیست. همچنین میزان دستیابی دانشجویان، به اهداف درس اخلاق اسلامی در سطوح شناختی، عاطفی و رفتاری، نامطلوب بود. حسینی (۱۳۹۲) در بررسی اخلاق اسلامی یا نظام اخلاقی اسلام به نقد اجمالی کتاب اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم) از مجموعه دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها پرداخته و با مروری کلی بر سرفصل‌های کتاب و معرفی کلی اثر، به تحلیل امتیازها و کاستی‌های ابعاد شکلی، صوری و نقاط قوت و ضعف ابعاد محتوایی پرداخته است. شریعتمدار و همکاران (۱۳۹۰) در تدوین برنامه آموزش هشپاری‌افزایی وجودی و هشپاری‌افزایی مبتنی بر اخلاق اسلامی و تعیین و مقایسه اثربخشی این دو رویکرد بر رضایت از زندگی به روش تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بر ۴۵ نفر از دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی نشان دادند که آموزش هشپاری‌افزایی اخلاق اسلامی به افزایش رضایت از زندگی منجر شده است، اما آموزش هشپاری‌افزایی وجودی تفاوت معناداری ایجاد نکرده است. بین دو گروه وجودی و اخلاق اسلامی نیز تفاوت معناداری وجود نداشت. خاقانی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در ضرورت طراحی الگویی برای برنامه‌دستی اخلاق پزشکی با رویکرد اسلامی نشان دادند که در برنامه‌های درسی اخلاق پزشکی، به صلاحیت‌ها و توانایی‌های اخلاقی توجه کافی نمی‌شود و وضعیت کنونی به نحوی نیست که بتوان از فارغ‌التحصیلان انتظار رعایت کامل مسائل اخلاقی را داشت. یافته‌های پژوهش چیتندرا و گریفین^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی نشان دادند که برنامه‌دستی قصدشده و اجراشده با هم انطباق ندارند و برای بهبود پیشرفت تحصیلی فراگیران، علاوه بر تغییر شیوه‌های آموزشی باید به تغییر در کتاب‌های درسی نیز پرداخته شود. لوئن^۲ (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای موردی در مورد شکاف‌های برنامه‌دستی، بیان می‌کند که بین آنچه قصد، اجرا و تجربه شده بود هماهنگی وجود ندارد.

1. Jitendra & Griffin

2. Luen

گویرتز و بیچ^۱ (۲۰۰۴)، در پژوهشی که با هدف تجزیه و تحلیل رابطه بین برنامه‌درسی اجراشده و برنامه‌درسی قصدشده در نظام آموزش و پرورش آرژانتین صورت گرفت، نشان داد که برنامه‌درسی اجراشده و آموخته‌شده انطباق لازم را نیز با برنامه‌درسی قصدشده دارد. البته پژوهش موسوی و حبیبی (۱۳۹۹) هم وجود دارد که هدف اصلی آن نقد ساختاری کتاب اخلاق اسلامی بوده است، اساس نقد آن‌ها مدل‌های تحلیل محتوای توصیفی و ارتباطی بوده است. نتایج نشان داد که در تدوین کتاب اشکالاتی وجود دارد از جمله این اشکالات می‌توان به نبود پیش‌سازمان‌دهنده‌های توضیحی و مقایسه‌ای و همچنین فقدان اهداف رفتاری ابتدای مباحث و عدم معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر اشاره کرد. به لحاظ تحلیل محتوای توصیفی هم ۹ درصد از عنوان‌ها واضح و گویا نیستند و با محتوای خود تطبیق ندارند. همچنین اهداف مشخص شده برای کتاب قابلیت اندازه‌گیری و مشاهده را ندارند و تمرین‌ها نیز غیرمعیار هستند و جنبه نظری دارند.

در این راستا، نظر به این که پژوهشی به بررسی انطباق برنامه‌درسی در سطوح قصدشده، اجراشده و کسب شده درس اخلاق اسلامی که تمام دانشجویان کارشناسی می‌گذرانند، پرداخته است، در این پژوهش این موضوع مهم، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا این شکاف پژوهشی برطرف شود. مسئله اساسی این پژوهش بررسی میزان انطباق برنامه‌درسی قصدشده، اجراشده با کسب‌شده اخلاق اسلامی است. به‌طور اساسی مقاله حاضر با هدف پاسخ به سه سؤال زیر انجام شده است:

- آیا اهداف کتاب درسی اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم) با اهداف مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تناسب دارد؟
- برنامه‌درسی اجراشده توسط استادان درس اخلاق اسلامی چگونه است؟
- برنامه‌درسی کسب‌شده اخلاق اسلامی توسط دانشجویان چگونه است؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و با توجه به ماهیت موضوع از روش‌های تحلیل محتوا، توصیفی و پدیدارشناسی استفاده شده است. برای بررسی سؤال اول یعنی برنامه‌درسی قصدشده اخلاق اسلامی دانشگاه‌ها از تحلیل محتوا استفاده شد. محیط

پژوهش شامل کتاب درسی اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم) از محمد داودی (۱۴۰۱) و همچنین سند بالادستی (سرفصل ۲ واحد درسی مصوبه جلسه ۵۴۲ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) بود. واحد تحلیل و ثبت پیام در این سؤال مضمون بود. برای بررسی سؤال دوم یعنی برنامه‌دستی اجراشده درس اخلاق اسلامی از روش توصیفی با تکنیک مشاهده استفاده شد. برای این کار کلاس درس دو استاد مشاهده و چک‌لیست تهیه‌شده در آن تکمیل شد. برای بررسی سؤال سوم از پدیدارشناسی استفاده شد. مشارکت کنندگان در پدیدارشناسی دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی تهران مستقر در قم و گروه عمومی دانشگاه صنعتی قم بودند. انتخاب دانشکده در هر دانشگاه به صورت تصادفی ساده و با قرعه‌کشی انجام شد و انتخاب آن‌ها در هر دانشکده براساس نمونه‌گیری هدفمند^۱ بود. ملاک انتخاب دانشجویانی بودند که واحد اخلاق اسلامی را گذرانده‌اند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به صورت فردی انجام شد و با رسیدن به اشباع داده، به پایان یافت. انتخاب حجم نمونه براساس قاعده اشباع نظری تعیین شد (بازرگان، ۱۳۹۸) که در مصاحبه سیزدهم اشباع نظری حاصل شد. در ادامه به منظور اعتباربخشی به یافته‌ها نتایج به دست آمده برای دانشجویان ارسال شد و آن‌ها برداشت‌های محقق از نظراتشان را تأیید کردند. برای تحلیل داده‌ها از روش پنج مرحله‌ای جیورجی^۲ (۱۹۸۹) استفاده شد. در گام اول مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مشارکت کنندگان ضبط و ملاحظات اخلاقی (اطلاعات به هیچ وجه فاش نمی‌شود، داده‌ها به شکل محرمانه است، بدون ذکر نام و یافته‌ها، متعاقباً به سمع و نظر مشارکت کنندگان رسانده می‌شود و تأیید آن‌ها گرفته خواهد شد) رعایت شد. گام دوم در تحلیل داده‌ها، مطالعه کلی توصیف به منظور دستیابی به حس کلی از متن مصاحبه بود. در این گام کل متن مصاحبه‌ها بررسی شد. گام سوم تفکیک واحدها همانا برآیند نهایی تحلیل پدیدارشناسی، تعیین معانی تجربه بود. متن مصاحبه‌ها به آنچه که جیورجی آن را واحدهای معنا یا تمایز معنا می‌نامد، تغییر داده شد تا روابط معنی‌داری که هر مصاحبه با موضوع مصاحبه دارد، مشخص شود. در گام چهارم تبدیل واحدهای معنایی به عبارات توصیفی از طریق تقلیل داده‌ها یا تبدیل واحدهای معنایی به عبارات مهم روان‌شناختی بود که جملات مهم و نکات کلیدی مشخص شد و طبقه‌بندی و مقوله‌بندی

1. purposeful stratified
2. Giorgi

اولیه صورت گرفت. در گام نهایی تحلیلی داده‌ها، ساختارهای خاص شناسایی شده در مرحله قبل را مورد بازبینی قرار داد. اختلافات موجود در تجارب افراد حذف شد و تنها بر ابعاد مشترک تجارب تمام شرکت کنندگان تمرکز شد و تحلیل ترکیبی صورت گرفت.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت کنندگان در تحقیق

کد مشارکت کنندگان	جنسیت	سن	دانشگاه
۱	مؤنث	۲۰	دانشگاه قم
۲	مؤنث	۲۲	دانشگاه قم
۳	مذکر	۲۰	دانشگاه قم
۴	مؤنث	۲۵	دانشگاه قم
۵	مذکر	۲۴	دانشگاه قم
۶	مذکر	۲۳	دانشگاه قم
۷	مذکر	۲۶	دانشگاه قم
۸	مذکر	۲۱	پردیس فارابی دانشگاه تهران
۹	مؤنث	۲۴	پردیس فارابی دانشگاه تهران
۱۰	مؤنث	۲۲	پردیس فارابی دانشگاه تهران
۱۱	مذکر	۲۲	دانشگاه صنعتی قم
۱۲	مذکر	۲۳	دانشگاه صنعتی قم
۱۳	مؤنث	۲۰	دانشگاه صنعتی قم

یافته‌ها

سؤال اول پژوهش: آیا اهداف کتاب درسی اخلاق اسلامی با اهداف مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تناسب دارد؟

در سند بالادستی درس اخلاق اسلامی، هدف کلی این درس «آشنایی دانشجویان با مبانی و آموزه‌های بنیادین اخلاق اسلامی» معرفی شده است. اهداف رفتاری اشاره شده در این سند نیز عبارت‌اند از:

- دانشجویان با کلیات (با تکیه بر علم اخلاق اسلامی) آشنا شوند.

- دانشجویان با مبانی اخلاق اسلامی آشنا شوند.

- دانشجویان با مفاهیم فضایل و رذایل اخلاقی آشنا شوند.

کتاب *اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم* (چاپ ۱۳۷۷) توسط محمد داودی تدوین شده (ویراستار: امیرعباس رجبی؛ تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها،

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی؛ ناشر: قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف؛ سال انتشار: ۱۴۰۱، مشخصات ظاهری: ۲۰۸ صفحه؛ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۰۹۷-۲) و به چاپ رسیده است و با توجه به اجباری بودن درس برای تمام رشته‌های کارشناسی، بارها تجدید چاپ شد. در زیر سرفصل‌های اصلی درس که در سند آمده است با اهداف دروس کتاب اخلاق اسلامی مطابقت داده شده‌اند. بر این اساس از ۱۲ هدف اصلی سند، ۹ مورد آن در کتاب اخلاق اسلامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره شده است. اما متأسفانه اهداف «آزادی و اختیار، نقش عقیده و عمل در تکوین شخصیت، در رابطه با خود (اخلاق فردی)» که در سند به آن اشاره شده بود، در اهداف کتاب مربوطه پرداخته نشده است.

جدول ۲ مطابقت همخوانی سند بالادستی اخلاق اسلامی با اهداف کتاب اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)

اهداف کلی ذکرشده در سند بالادستی	اهداف کتاب اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)
کلیات شناخت مفاهیم، اهمیت و جایگاه علم اخلاق اسلامی	با اهمیت و ضرورت علم اخلاق آشنا شوند.
مرور تاریخچه علم اخلاق اسلامی	با تاریخچه علم اخلاق اسلامی آشنا شوند.
آشنایی با رویکردهای مختلف علم اخلاق اسلامی	با رویکردهای مختلف علم اخلاق اسلامی آشنا شوند.
مبانی اخلاق اشاره به هدفمندی شناخت عوامل و موانع قرب	با هدفمندی انسان آشنا شوند.
زندگی انسان فهم مراتب و درجات قرب به خدا	با آیین بندگی آشنا شوند.
خودشناسی بررسی ابعادی وجود انسان	با توانمندی انسان برای اخلاقی زیستن آشنا شوند.
	- اشاره به آزادی و اختیار
	- شناخت نقش عقیده و عمل در تکوین شخصیت
مفاهیم فضایل اخلاقی	شناخت مفاهیم در رابطه با خدا (معنویت) با فضیلت‌های اخلاقی ایمانی آشنا شوند.
	- شناخت مفاهیم در رابطه با خود (اخلاق فردی)
	شناخت مفاهیم در رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی) با فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی آشنا شوند.
مفاهیم رذایل اخلاقی	شناخت مصادیق رذایل اخلاقی با رذیلت‌های اخلاقی و پرهیز از آنها آشنا شوند.

سؤال دوم پژوهش: آیا برنامه درسی اجرا شده درس اخلاق اسلامی توسط استادان با اهداف و چشم‌انداز مصوب همسوست؟
جهت بررسی برنامه درسی اجرا شده چک‌لیستی حاوی اهداف کلی درس اخلاق اسلامی تهیه شد تا نشان دهد که آیا استاد مربوط در کلاس خود به آن‌ها اشاره کرده است یا خیر؟

جدول ۳ چک‌لیست مشاهده کلاس درس اخلاق اسلامی

آری خیر	اهداف کلی اخلاق اسلامی
*	آیا استاد در کلاس درس، به اهمیت و ضرورت علم اخلاق اشاره کرد؟
*	آیا استاد در کلاس درس، به تاریخچه علم اخلاق اسلامی پرداخته است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، رویکردهای مختلف علم اخلاق اسلامی را برشمرده است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، هدفمندی انسان و آیین بندگی را تشریح کرده است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، به توانمندی انسان برای اخلاق زیستن پرداخته است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، مفهوم آزادی و اختیار را بیان است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، نقش عقیده و عمل در تکوین شخصیت را تشریح کرده است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، فضیلت‌های اخلاقی ایمانی را برشمرده است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، به مفهوم در رابطه با خود (اخلاق فردی) پرداخته است؟
*	آیا استاد در کلاس درس، رذیلت‌های اخلاقی و پرهیز از آن‌ها را تشریح کرده است؟

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، استاد درس اخلاق اسلامی تمامی مباحث به غیر از «مفهوم آزادی و اختیار، نقش عقیده و عمل در تکوین شخصیت و اخلاق فردی» را در کلاس تدریس کرده است. با مشاهده دو کلاس درس اخلاق اسلامی نمایان شد که هر دو استاد تمامی مطالب را به درستی تشریح کرده‌اند. همچنین روایت‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش، میزان هم‌پوشانی برنامه درسی قصدشده با اجراشده را به وضوح، مشخص می‌کند.

سؤال سوم پژوهش: الف) برنامه درسی کسب‌شده (مطالب درس اخلاق اسلامی) توسط دانشجویان چگونه است؟

جهت بررسی برنامه درسی کسب‌شده از پدیدارشناسی استفاده شد که خروجی مرتبط با بخش‌های کلی اخلاق اسلامی که توسط مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حاصل شده در ادامه ارائه می‌شود:

کلیات علم اخلاق اسلامی: مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان می‌کند: «این درس خیلی

درس به نظرم مفیدتر از بقیه درس‌ها بود، چون که به سری اطلاعات ناقصی که داشتیم، تکمیل شد. یاد گرفتیم که اخلاق یک نظام ارزشی که انسان موظف می‌شود اعمال و منش خود را براساس آن تنظیم کند و جهت‌یابی کمال را در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی از آن دریافت کند و با تأثیر بر عمل و منش انسان او را به سعادت می‌رساند.

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «به چیزایی رو نمی‌دونستیم و خیلی کامل با مطالعه این درس یاد گرفتیم، مثلاً یادمه که هدف نهایی علم اخلاق این بود که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود، یعنی قرب الهی برساند. و چون استاد ما حوزه مطالعاتی و تخصصی معارف اسلامی بود، خیلی در مورد اخلاق اسلامی برای ما صحبت‌های مفیدی کردن، بحث دیگه‌ای که خیلی در موردش صحبت کردیم و فکر می‌کنم دوستش خیلی برای ما مفید بود، این که در روش اخلاقی اسلام، ملاک هر کار رضایت خداوند است. اسلام می‌گوید: ای انسان هر کاری که می‌کنی بین آیا رضای خداوند در آن کار هست یا نه؟».

مشارکت‌کننده شماره ۳ اظهار می‌دارد: «مدرس ما در مورد اهمیت و جایگاه اخلاقی اسلام صحبت کردند، این که هدف اصلی رسیدن به بهشت و دوری از جهنم نیست، بلکه هدف اصلی رضایت خداست. پس اخلاق واقعی در واقع اخلاق اسلامی است چون زمینه کمال آدم را فراهم می‌کند و مطالعه داستان زندگی افراد بزرگ مثل علی (ع)، سلمان، ابذر، مقداد، و ... نشون می‌ده که از طریق عمل مخلصانه به اخلاق و دستورات اسلامی و جلب رضای خداوند توانستند به عالی‌ترین درجات کمال برسند».

مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان می‌کند: «خانم دکتر حقیقتاً در مورد مبحث اخلاق اسلامی به زبان خیلی ساده گفتش که اخلاق در اسلام یعنی صفات پایداری که موجب می‌شوند کارها متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به فکر کردن از آدم صادر بشه. رویکردهای مختلفی هم در علم اخلاق اسلامی وجود داره که نظام‌های اخلاقی گوناگونی را پدید آورده. مثل رویکرد فلسفی یک نظام ارزشیه و از نوعی فلسفه پیروی می‌کنه، اخلاق عرفانی، عرفا مروج آن بودند، رویکرد نقلی برای نقل آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) هست و اخلاق تلفیقی (فلسفی + نقلی + عرفانی). استاد ما خیلی خوب تونستن در مورد اخلاق و دین و تعارض یا عدم تعارض بینشون توضیح بدنند و من واقعاً قانع شدم که اخلاق بدون دین فایده‌ای نداره و شفاعت نیست».

مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «استادمون خیلی باحال بود و به جو دوستانه و خوبی را در کلاس ایجاد کرده بود. سعی می‌کرد به همه سؤالامون پاسخ بده. در مورد

اهمیت اخلاقی اسلام می‌گفت هدف اینه که آدم طوری رفتار کنه که آخرش به جایگاه والای انسانی برسه و خداگونه بشه».

مشارکت‌کننده شماره ۸ در نهمسویی کلیات ارائه‌شده پیرامون رویکردهای اخلاق اسلامی می‌گوید: «جدیدترین مطلبی که در این مورد گفته شد به مرحوم نراقی بر می‌گردد. برام جای سؤال بود که بعد از او اخلاق اسلامی هیچ پیشرفتی نداشته، چرا کتاب پس از هفتاد و هفت بار تجدید چاپ به این مهمی با این همه مخاطبی که داره و استادی که در قم تدریس می‌کنه از اساتید بنام و معاصر اخلاقی نمی‌گه و بحث نمی‌کنه. همش منتظر این بودم که استادمون یک مربی شهیر اخلاقی که الان هم تدریس دارن رو معرفی کنه منتها خبری نشد، تا این که خودم به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری زنگ زد و مشخصات اساتید و زمان برگزاری جلسات رو گرفتم، البته جلسه‌ی حضوری امکان نبود منتها لینک اونو گیر آوردم و تونستم به این عرصه ورود کنم. واقعاً سطح مباحث ارائه‌شده در این جلسات کاربردی و عمیق‌تره و حس می‌کنم با عرفان و فلسفه تلفیق میشه».

مبانی اخلاق اسلامی: مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: «خُب باید بگم که مدرس ما می‌گفت که خداوند، از آفریدن انسان و جهان هدفی داشته این که معنای زندگی ما خداست و هدف از آفریدن ما، شناخت و پرستش خدا بوده. باارزش‌ترین کاری که می‌تونیم انجام بدیم، حرکت به سوی خداست».

مشارکت‌کننده شماره ۶ بیان می‌کند: «در جلسات بعدی وارد مباحث مبانی اخلاق اسلامی شدیم. این که ما در وجودمون ابعاد مختلفی داریم و وجودمون از یک سری صفات، تشکیل شده مثل صفات الهی، صفات شیطانی، صفات حیوانی، صفات مادی، صفات عاطفی. اما راستش رو بخوام بگم، یعنی کلاً درمورد اینکه آدم با اختیاره و می‌تونه تصمیم بگیره و راه خوب از بد تشخیص بده، صحبت نکردن».

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «راستش استادمون در سامانه مجازی درس می‌داد و خیلی درمورد مختار بودن آدم حرفی نزد. اما خب این گناه که ما آدم‌ها را به انحراف می‌کشونه و باعث جلوگیری آدم‌ها از رسیدن به خدا می‌شه. اگه بخوام لب کلامو بگم باید برای آدم حسابی شدن صفات بدمون را کنار بزاریم و واجبا را انجام بدیم».

مشارکت‌کننده شماره ۷ اظهار می‌دارد: «ایشون اشاره کردن که از مهم‌ترین موانع قرب به خدا، گناهه. اگه خیلی کم هم گناه کنیم، مثل قطره زهره، می‌تونه ظرف بزرگی را مسموم کنه، اعمال بسیاری از آدم‌ها تباہ می‌شه و عبادت‌هامون را بی‌اثر می‌کنه».

مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید: «درس اخلاق اسلامی، درسی بود که توی سامانه آموزش الکترونیک دانشگاه قم تدریس شد. یادمه استادمون می‌گفت از موانع درونی قرب به خدا، خودخواهی، تکبر، غرور، حسادت و بخله. موتور اصلی رسوندن ما به قرب، انجام واجباته و انجام مستحبات به آن سرعت می‌ده.»

مشارکت‌کننده شماره ۴ برخلاف قبلی‌ها این‌طور می‌گوید: «فکر کنم تیر انتخاب‌شده استاد که مبتنی بر کتاب هم بود برای این مبنا که خلق و خوی انسان تغییرپذیر است خوب نبود و نپسندیدم. در تیر صفحه ۴۲ کتاب نوشته شده که خلق و خوی انسان تغییرناپذیره. هرچند که ذیل این تیر سه نوع برداشت را اشاره می‌کنه و در آخر نتیجه می‌گیره که اگر تغییرپذیر نبود ارسال انبیا توجیهی نداشت. همش به این فکر می‌کردم که چرا مؤلف و استاد به رابطه وراثت و تربیت اخلاقی اشاره نمی‌کنن، راستش دلم رو زد به دریا و از استاد پرسیدم، استاد هم پاسخ‌هایی دادن منتها بهم گفتن که باید منابع تخصصی رو بخونم تا جواب‌های بهتر و متقن‌تری رو پیدا کنم.»

فضایل اخلاقی: مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: «فصل سوم که عنوانش فضیلت‌های اخلاقی ایمانی بود، این درس هم توی سامانه الکترونیک دانشگاه قم تدریس شد، یادمه استادمون می‌گفت تنها اعمالی دارای ارزش اخلاقی و موجب رسوندن انسان به سمت خداست که برای رضای خدا باشه. فضیلت همون انجام عمل خداپسندانه است. فضیلت اخلاقی ایمانی صفاتی‌اند که با ایمان اسلامی ارتباط دارن.»

مشارکت‌کننده شماره ۲ بیان می‌کند: «استاد توی سامانه پاورپوینت آپلود کردن و از روی پاورپوینت شروع کردن توضیح دادن، توضیحاتشون توضیحات خوبی بود، یعنی صرفاً مطالب کتاب نبود، می‌گفتند که هر چیزی که باعث تقرب آدم به خدا باشه و با انگیزه رضای خدا باشه دارای ارزش اخلاقیه و فضیلته. استاد چیزی تحت عنوان اخلاق فردی تا جایی که یادمه نگفتند. ایشان اشاره کردن که فضیلت‌های اخلاقی ایمانی مثل محبت به خدا، محبت به پیامبر^(ص) و معصومین^(ع)، توکله، میانه‌روی.»

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: «مدرس‌مون می‌گفت تموم عبادات چه واجب چه مستحب جزو فضائل اخلاقی‌اند. فضیلت‌های اخلاقی مثل تسلیم خدا بودن، شکر، اخلاصه، صبر و توکله و... که هر فردی خودش انجامش می‌ده ولی در اسلام اصول خاصی هم هست که در رابطه با دیگران باید رعایت بکنیم مثل صله رحم، وفای به عهد، یتیم‌نوازی، گره‌گشایی، خوش‌اخلاقی و پرهیز از دزدی ...»

مشارکت‌کننده شماره ۵ اظهار می‌دارد: «خُب ایشون گفتن، هر چیزی که در رسیدن آدم به قرب به الله مؤثر باشه، جزو فضائل اخلاقیه. فصل چهارم که عنوانش فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی بود، نشون داد برای این که بتونیم کنار هم زندگی کنیم به عفو و گذشت، خوبی کردن به دیگران، عدل و انصاف نیاز داریم. یکی از مطالبی که برام اثرگذار بود این حدیث از امام صادق (ع) بود که چنان به خدا امیدوار باش که جرئت سرپیچی از خداوند را در تو ایجاد نکند و چنان از خداوند بترس که تو را از رحمت خداوند ناامید نکند. فهمیدم این دو حالت در من باید مساوی باشه و نباید اجازه بدم که یکی بر دیگری غلبه پیدا بکنه».

مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان می‌کند: «والله... استادمون بد نبود، راستش مجازی درس می‌داد و درمورد اخلاق فردی که چیزی یادم نیست. اما... جالب بود که می‌گفت اخلاق و دین چیزیه که ما را برای زندگی تو اجتماع آماده می‌کنه. باید حق و حقوقه بقیه را رعایت کنیم. یکی از چیزایی که ازشون یادمه این که درمورد گفتار درست تأکید داشتن و می‌گفتن انسان باید در گفتارش تأمل داشته باشه، یکی از علمای قدیم یعنی شیخ طیار را مثال می‌زد که قبرش در جوار امامزاده حضرت شاه احمد قاسم هست و به شیخ‌السکوت معروف هستن. می‌گفتن ایشان حرفی نمی‌زد مگر آن که بدانند به‌جا و اثربخش است. من از همون لحظه کنجکاو بودم و بعدها تونستم قبر ایشون رو پیدا کنم و برمزارشان فاتحه‌ای قرائت کنم».

مشارکت‌کننده شماره ۱۳ نقدی بر ارائه استاد داشتند. او می‌گوید: «استاد در توضیح امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی اجتماعی موفق نبود و خیلی نتونست من رو در چگونگی نهی از منکر مجاب کنه. آخه در این وضعیت که بدحجابی موج می‌زنه من دانشجو چقدر می‌تونم موفق باشم، یا اگه بخوام ورود کنم باید از کجا شروع کنم؟. خیلی از مطالبی که استاد درس می‌دادن رو قبلاً در دبیرستان هم خونده بودم، منتها چیز جدیدی حاصل نشد! البته باید بگم مؤلف کتاب هم بی‌تقصیر نبود و بسیاری از شبهات رو غفلت کرده بود. منظورم شبهاتی مثل اینه که حجاب مخالف آزادی نیست و با لا اکره فی الدین ناسازگار نیست؟ اگر حجاب برای پیشگیری از شهوت‌رانی و جنسی کردن فضای اجتماع است پس چرا صورت زن که زیباترین عضو بدن اوست از حجاب استثنا شده است؟ یا این که رعایت حجاب مرد را بیشتر کنجکاو و تحریک می‌کنه؟ و یا این که اصلاً چه کسی گفته حجاب ترتر یعنی چادر؟».

رذایل اخلاقی: مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «در جلسات بعدی وارد مباحث رذایل اخلاقی شدیم، خُب ایشون وقتی وارد این بحث شدیم، اول گفتن که در صورتی چیزی رذیلت و غیر اخلاقیه که مانع رسیدن انسان به کمال می‌شه و موجب تباهی روح و اخلاق او می‌شه. مانند: خودخواهی، کبر و غرور، دروغ، حسادت، غیبت، تهمت، ریا».

مشارکت‌کننده شماره ۱۳ اظهار می‌دارد: «استادمون می‌گفت هر کاری که ما می‌کنیم نباید باعث غصب و خشم خدا بشه، اگه بشه گناه کردیم که هم ممکنه صغیره بشه و هم کبیره. یعنی دروغ، خودخواهی، حسادت، غیبت، تهمت و.. باعث می‌شه روحمون خراب بشه».

مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان می‌کند: «ایشون اشاره کردن که رذایل درواقع هر گناهی که باعث خشم خدا بشه و دیگه این که ترک واجبات از بزرگ‌ترین رذایل به حساب می‌آد. مثلاً غیبت، گناه، تهمت، خیرچینی، دروغ و...».

مشارکت‌کننده شماره ۶ می‌گوید: «فضائل یا رذائل، در انسان حالت‌هایی را به وجود می‌آرند و بر تمام امور زندگیمون اثر می‌زارند. گناه به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می‌شه. هر کاری که آدم را از خدا دور کنه، باعث تخریب روح و اخلاق ما می‌شه. رذائل، کارهای زشت و بدیه که خداوند ما رو از انجام آن کارها منع کرده مثل کینه‌توزی، خشم و غضبی، تردید و دودلی، جهل و نادانی، خودپسندی و...».

سؤال سوم پژوهش: ب) با توجه به طرح درسی که استاد برای این درس طراحی کرده بود و در کلاس اجرا کرد، آیا تمام مطالب به خوبی در ذهن دانشجویان شکل گرفته است؟

مشارکت‌کننده شماره ۲ بیان می‌کند: «با توجه به طرح درسی که طراحی کرده بودند، من تا حدوداً شصت درصد مطالب رو در ذهن دارم و می‌شه گفتش که ازش استفاده کردم و این مطالب به قدری خوب و مفید بود که حتی مثلاً من فهمیدم که هر کاری که ما را از خدا دور کنه، باعث تخریب اخلاقمون می‌شه و روی زندگیمون اثرش زیاده».

مشارکت‌کنندگان ۴ و ۵ می‌گویند: «همینطور که گفتم، بعضی از درس‌ها، مخصوصاً اون درس‌هایی که با بحث و گفت‌وگو تو کلاس انجام می‌دادیم. وقتی استاد سؤالی را مطرح می‌کرد و از ما می‌خواست با پرسش و پاسخ به جواب سؤال برسیم و این باعث بحث تو کلاس می‌شد و خب بیشتر مباحث توی ذهنمون تثبیت شده. مثلاً از بارش فکری برای تدریس اخلاص استفاده کردن و اول کلاس سؤال پرسیدن که هستون از کارهای اخلاقی بدون فریاد و تبلیغ چیه؟ و چرا در دنیایی که توسط رسانه‌ها اداره می‌شه

باید این گونه بود و در خفی کار کرد؟ بچه‌ها حقیقتاً اطلاعات خوبی رو ارائه می‌کردن و نشون می‌داد که می‌دونن در اخلاق باید عمل تنها برای خدا باشه و نیت‌های غیرخدایی اثر عمل را ضعیف می‌کنن».

مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «چون استاد در میان آموزش‌هایشان از حکایت‌های گلستان سعدی استفاده می‌کردند لذا توأمانی ادبیات فارسی و اخلاقیات برایم لذت‌بخش بود. مثلاً یادمه در یکی از جلسات از برتری علم بر ثروت می‌گفتن و در این میان حکایت "دو امیرزاده در مصر بودند، یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت..." را خواندن که بسیار اثربخش بود».

مشارکت‌کننده شماره ۱ اظهار می‌دارد: «استادمون برای تمام مباحثی که تدریس می‌کردن، مثال می‌زدن، مثلاً این روزا مسائلی مثل کینه‌توزی، خشم و غضبی، تردید و دودلی چقدر زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده، از طرفی خیلی از افرادی که جرم مرتکب شدن وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که ترک واجبات از جمله مواردی که باعث این مسائل شده، این کاربردی بودن مطالب، واقعاً می‌گم اون نتیجه‌گیری‌ها توی ذهن من خیلی جا مونده».

مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: «باید بگم که ایشون طوری این مطالب رو به ما درس دادن که کاملاً کاربردی بود، به این شکل که برای تمام درواقع مباحثی که تدریس می‌کردن، مثال می‌زدن، مثلاً مطالعه داستان زندگی بزرگان دینمون، نشون می‌ده که از طریق عمل به اخلاق توانستند به عالی‌ترین درجات برسند. یا بهمون از انسان‌شناسی و تأثیرش بر زندگی اخلاقی می‌گفتن و این که رمز زیست اخلاقی در شناخت خود و رابطه با خداست و تا این مرحله خوب اتفاق نیفته لایه‌های بیرونی سبک زندگی مون اخلاقی نمی‌شه».

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ بیان می‌کند: «من که از استاده راضی بودم، خیلی پیچیده و مبهم درس نمی‌داد. اکثرش اینقدر سؤال می‌پرسید تا ما به جوابا برسیم و اینجوری مطالب تو ذهنمون می‌موند. مثلاً این که مجرمین از اول که مجرم نبودند، ولی وقتی از گناه‌های صغیره شروع کردن و کارهای زشت انجام دادن کم کم اخلاقشون تخریب شده».

مشارکت‌کننده شماره ۷ بیان می‌کند: «باید بگم که نمی‌تونم این طوری بگم که همه مطالبی که استادمون تو کلاس تدریس کردن، راجبش بحث شد، تو ذهنم شکل گرفت یا هیچ کدومش شکل نگرفت. ولی یادمه پس از کلاس که تموم شد و بحث

در مورد حسادت بود از استاد راهنمایی خواستم که یک ویدئویی از استاد فاطمی‌نیا فرستادند، ایشون خیلی خوب توضیح دادن و گفتن که به جرئت می‌توانم بگویم که مقابله با حسد و حسادت کاری بس دشوار و زمانبر است».

سؤال سوم پژوهش: ج) میزان توفیق دانشجویان در استفاده عملی از مطالب یاد گرفته شده چگونه است؟

مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «من فکر می‌کنم کتابی که استاد بمون معرفی کردن، شاید خیلی مطالبش استفاده نمی‌شه، بیشتر یه سری مباحث که علم‌مون را زیاد می‌کنه، ولی مطالبی که خود ایشون توی کلاس می‌گفتن، نسبتاً کاربردی بود».

مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان می‌کند: «بله، واقعاً خُب یه سری از مطالب کتاب خیلی مفید بود و اون اطلاعات ناقصی رو که داشتیم، تکمیل کرد و مخصوصاً اون موقعیت‌هایی که استاد طرح کرده بود و ما جواب می‌دادیم و خُب اون و مثال‌هایی میزد خیلی روی این که مطالب تو ذهنمون تثبیت شد، کمک کرد».

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: «بله، من خودم به‌شخصه چون رستم هم ادبیات عرب بود و خُب این مطالبی که ایشون هم می‌گفتن، در رابطه با مباحث قرآن و احادیث بود، خیلی این مفاهیم را درک می‌کردم و نه تنها ایشون خیلی کاربردی و مفهومی به ما اینارو تدریس می‌کردن، من خودمم اینارو مفهومی و کاربردی یاد می‌گرفتم».

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ بیان می‌کند: «راستش کتاب که یک‌سری مباحث نظری بود و باید مرور می‌کردیم و یاد می‌گرفتم. اما ... نقش مدرس خیلی مهمه که با مثال‌های کاربردی مطالب را بهمون می‌فهموند»^۱.

۱. شاید برای خواننده این سؤال پیش بیاید که آیا بهتر نبود فرم‌های الکترونیکی ارزیابی اساتید اخلاق اسلامی که در پایان ترم توسط دانشجویان تکمیل می‌شود هم بررسی می‌شد، در این ارتباط باید گفت از آنجا که این فرم‌ها حالتی کلی دارد و متناسب با سرفصل‌ها، اهداف و سؤالات پژوهش حاضر نیست و اغلب اطلاعاتی در مورد اخلاق حرفه‌ای تدریس استاد از جمله پوشش، سخنوری، توانایی انتقال مطالب، مشارکت دادن دانشجویان در بحث کلاسی، میزان پاسخ‌گویی، مرجعیت علمی و به روز بودن اساتید را در درون خود دارند و نتایج آن‌ها همسویی آن‌چنانی با هدف مقاله حاضر ندارند و بررسی شدن آن‌ها عملاً کارایی زیادی نمی‌توانست داشته باشد، مورد استفاده و تحلیل قرار نگرفتند. (البته ناگفته نماند که دسترسی به فرم‌های تکمیل شده برای پژوهشگران ساده هم نیست و به دلیل محرمانه بودنشان و احترام به مقام استاد در اختیار معاونت آموزشی و گروه علمی مربوطه است).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش در صدد بودیم تا برنامه‌ریزی قصدشده، اجراشده و کسب‌شده درس اخلاق اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم. به نظر می‌رسد اجرای درست برنامه‌درسی اجراشده با برنامه‌درسی کسب‌شده تا حدودی زیادی، به عملکرد مدرس وابسته است، زیرا تا زمانی که مدرس به خوبی مطالب را در کلاس اجرا نکند، نمی‌توان شاهد تحولی عظیم در فراگیران بود. مدرسانی هستند که صرفاً دیسپلین‌محورند و به صورت کاربردی، مطالب را به فراگیران انتقال نمی‌دهند و همین امر باعث می‌شود که برنامه‌درسی کسب‌شده در آن‌ها ظاهر نشود. برنامه‌درسی قصدشده به عرضه محتوای خاصی اقدام می‌کند، اما برنامه‌درسی اجراشده، لزوماً منطبق با آن شکل نمی‌گیرد. این دو برنامه مرتبطند و یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت برنامه‌درسی اجراشده، برنامه‌درسی قصدشده است. اگر هدف‌ها و محتوای برنامه‌درسی حتی در مطلوب‌ترین وضع طراحی و تدوین شود، اثربخشی آن‌ها به مجموعه فعالیت‌های نظام‌یافته مدرس و فراگیران وابسته است. اگر فراگیر امکان انجام فعالیت‌های یادگیری مؤثر را داشته باشد و مدرس به‌طور مؤثرتر فعالیت‌های شاگردان را هدایت کند، شرایط مناسب برای آموزش محتوای قصدشده و نهایتاً تحقق اهداف آموزشی و پرورشی به‌وجود خواهد آمد.

در راستای یافته‌های سؤال اول که درمورد برنامه‌درسی قصدشده درس اخلاق اسلامی بود می‌توان گفت کتاب اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، کتابی است که اهداف آن هم‌پوشانی متوسط رو به بالا و خوبی با اهداف سند بالادستی آن دارد. لذا برنامه‌درسی قصدشده در پی آن است که در پایان این درس، دانشجو بتواند به این اهداف نزدیک شود و همچنین بتواند با مبانی و آموزه‌های بنیادین اخلاق اسلامی آشنا شود و این مبانی را در زندگی شخصی خود به کار بندد. این یافته با پژوهش فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۶) در ارزشیابی همخوانی‌ها و ناهمخوانی‌های برنامه‌درسی قصدشده، اجراشده و کسب‌شده اخلاق اسلامی همسوست. او نشان داد که میزان همسویی بین سرفصل‌ها با اهداف برنامه‌درسی اخلاق اسلامی نسبتاً مطلوب بود.

در راستای یافته‌های سؤال دوم درمورد برنامه‌درسی اجراشده می‌توان گفت مباحث اهمیت و ضرورت علم اخلاق، تاریخچه علم اخلاق اسلامی، رویکردهای مختلف علم اخلاق اسلامی، هدفمندی انسان و آیین بندگی، توانمندی انسان برای اخلاق زیستن، فضیلت‌های اخلاقی ایمانی، رذیلت‌های اخلاقی و پرهیز از آن‌ها به خوبی تشریح شده‌اند،

اما مباحث آزادی و اختیار، نقش عقیده و عمل در تکوین شخصیت، در رابطه با خود (اخلاق فردی) دور از دید برخی از استادان این حوزه باقی مانده است، این یافته با مطالعه فضل‌اللهی قمشی (۱۳۹۶) که نشان داد میزان تناسب محتوای انتخاب‌شده برای تدریس استادان با اهداف درس براساس تحلیل محتوا، بسیار پایین‌تر از انتظار است تقریباً همسوست. با مصاحبه‌هایی که با دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه قم، پردیس فارابی دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی قم انجام شد، این ادعا تأیید شد. یعنی مشخص شد محتوای برنامه‌دستی اخلاق اسلامی دانشگاه‌ها با نیازها و اهداف مدنظر، فرهنگ، ایدئال‌ها و آرزوهای اجتماعی، استعداد و توانایی دانشجویان، نیازها و علایق آنان و اصول و قانونمندی‌های برنامه‌ریزی درسی، تناسب داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌دستی قصدشده با برنامه‌دستی اجراشده مطابقت دارد. این یافته با پژوهش فضل‌اللهی قمشی و همکاران (۱۳۹۴) که مشخص کرده بودند وضعیت نسبی میزان تناسب محتوای برنامه‌دستی اخلاق اسلامی با اصول و قانونمندی‌های برنامه‌ریزی درسی بیش از ملاک‌های مربوط به تناسب محتوا با ارزش‌های اجتماعی و ویژگی‌ها و نیازهای فراگیران هستند، تقریباً همسوست.

در راستای یافته‌های سؤال سوم درمورد برنامه‌کسب‌شده یا آموخته‌شده دانشجویانی که درس اخلاق اسلامی را گذرانده‌اند، مشخص شد دانشجویان به‌صورت کاربردی می‌توانند مطالب را در عرصه عمل به کار ببرند، چراکه مشارکت کنندگان مدعی شدند موقعیت‌هایی که طرح شده بود باعث کمک به یادگیری بیشتر شد. همچنین با توجه به این که استادان درس اخلاق اسلامی به‌صورت کاربردی و با مثال‌های مختلف این واحد آموزشی را تدریس کرده‌اند، می‌توان گفت مطالب ارائه‌شده در کلاس به خوبی در ذهن فراگیران تثبیت شده است. ارائه مثال‌های مختلف در کلاس درس توانسته بود بر ادراک عمیق مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی مؤثر باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌دستی اجراشده با برنامه‌دستی کسب‌شده مطابقت دارد. این یافته با مطالعه نتایج سیلوینا و جاسون (۲۰۰۴) که در نظام آموزش و پرورش آرژانتین صورت گرفت و نشان داد که برنامه‌دستی اجراشده و آموخته‌شده انطباق لازم را نیز با برنامه‌دستی قصدشده دارد، همسوست.

متناسب با نتایج پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

به نظر می‌رسد پویایی آموزش اخلاق اسلامی در دانشگاه‌ها ضرورت دارد و می‌بایست براساس مطالعات دقیق علمی، هرچند مدت تغییراتی در واحدهای درسی، سرفصل‌ها و شیوه

آموزش آن صورت بگیرد. متأسفانه سند بالادستی و محتوای کتاب برای سال‌ها پیش است که با نیازهای امروزی دانشجویان و شبهات آن‌ها فاصله دارد و در شناخت، گرایش و داوری‌های اخلاقی نسبت به مباحث روز یاریگر نیست. این پویایی می‌بایست به صورت بنیادی پایه‌ریزی شود و رویکرد به اخلاق کاربردی باشد و به جای آموزش اخلاق برای علم اخلاق آموزش اخلاق برای زندگی کردن باشد و راه را در دنیای پیچیده و سیال امروز نشان دهد. یکی از کتاب‌های مهم و جدید در جهت این پیشنهاد *مفاتیح الحیات* استاد جوادی آملی است که تا سال ۱۴۰۰، ۲۸۰ مرتبه تجدید چاپ شده و ایشان در جنبه‌های مختلف زندگی (تعامل انسان با خود، تعامل انسان با هم‌نوعان، تعامل مردم و نظام اسلامی، تعامل انسان با حیوان، تعامل انسان با خلقت زیست‌محیطی) و به صورت کاربردی مباحث بسیار مفید و کاربردی را تبیین فرموده‌اند. استفاده از این نوع کتاب‌ها می‌تواند دانشجویان را به سرچشمه اخلاق برساند و آن‌ها را از اخلاق و حیانی اسلام سیراب سازد. برای مثال یکی از ضروریات اخلاقی دانشجویان این است که اخلاق اداری را مسلط باشند و نظر اسلام را نسبت به آن بدانند. دانشجویان پس از اتمام تحصیل دانشگاهی وارد ادارات و سازمان‌ها می‌شوند و مخاطبان فراوانی دارند. دانستن اخلاق اداری در زندگی کاری، کار کردن را شیرین و با رضایت شغلی توأم می‌کند و احساس رضایت‌مندی و خودشکوفایی از یک سو و رضایت مردم و پیشرفت امور و شکوفایی کار از دیگر سو را فراهم می‌کند.

در مورد برنامه درسی اجرا شده اخلاق اسلامی این پیشنهاد را می‌توان داد که مدرس محترم که خود الگویی اخلاقی است می‌بایست در کلاس تأکید کند که قرار نیست لزوماً همه کلاس به یک نتیجه مشترک برسند، چون چنین نگرشی ایجاد هیجان برای بردو باخت می‌کند، بلکه بهتر است کلاس برای شنیدن دیدگاه‌های مختلف فراهم باشد، تا بهتر بتوان با شنیدن همه دیدگاه‌ها، بهترین را انتخاب کرد. نکته دیگر این که پیشنهاد می‌شود استاد تا می‌تواند مستقیماً به نقد دیدگاه‌های مطرح شده نپردازد، بلکه حرف خودش را که در تضاد با حرف مخالفان است با دلیل اثبات کند. این راهکار چون دور از جو هیجانی و تعصب‌وار است می‌تواند او را بهتر به هدف برساند. دانشجو نباید حس کند که درس اخلاق اسلامی را استاد به او تحمیل می‌کند و قصد دارد در این درس به نتیجه خاصی که از قبل گرفته شده برسد و حرف خود را به کرسی بنشاند. راهکار دیگر استفاده از زبان بدن است. در اخلاق اسلامی زبان بدن به مراتب از زبان معمول تأثیرگذارتر است. از این جهت پیشنهاد می‌شود همه نشست و برخاست استاد پیام‌آور اخلاق باشد.

درمورد برنامه درسی کسب شده هم باید اخلاق را به مثابه یک برنامه تربیتی نگاه کرد تا بتواند همواره در زندگی دانشجویان نمود داشته باشد. آنچه می تواند مدنظر باشد این است که اخلاق اسلامی صرفاً مفاهیم و تصورات ذهنی محض نیست. البته نگاه درجه دو داشتن به اخلاق یعنی عمومی دیدن آن هم آفتی بزرگ است که با کاربرست اخلاق به عنوان برنامه تربیتی قابل حذف شدن است.

همان طور که قبلاً هم اشاره شد تحول در سه عنصر مهم آموزش اخلاق اسلامی «متن، استاد و استراتژی» ضرورت دارد و پیشنهاد می شود.

در کنار پیشنهادهای کاربردی فوق باید در عرصه پژوهش هم اقداماتی انجام شود که به چند مورد از آنها اشاره می شود:

انجام تحقیق در سایر عناصر برنامه درسی اخلاق اسلامی همچون روش های یاددهی و روش های ارزشیابی در کنار محتوا می تواند به آموزش و یادگیری مطلوب کمک کند.

رابطه میان اخلاق و انقلاب اسلامی بررسی شود تا مبانی، چالش ها و راهکارهای آن بتواند به کتاب درسی دانشگاهی ورود پیدا کند.

شاخص های پیرامون اقتضائات زمانی و تنوع نسلی دانشجویان شناسایی شود تا مؤلفان کتب درسی بتوانند با مدنظر قرار دادن آنها اقدام به اصلاح و بازنگری کتاب ها داشته باشند. برای مثال انتظار می رود ویژگی های جامعه شناختی و روان شناختی نسل Z^۱ و مطالبات اخلاقی آنها بررسی شود.

با توجه به فقدان توجه به بصیرت اخلاقی پیشنهاد می شود راه های ایجاد این بصیرت در دانشجویان شناسایی و با استفاده از تکنیک های محتوایی در بخش فعالیت ها و سؤالات انتهایی دروس دنبال شود.

از آنجا که هیجانات دانشجویان در کلاس اخلاق نمود غیرطبیعی داشت و مدیریت کلاس را دچار اشکال می کرد پیشنهاد می شود پژوهشی در راستای ورود مباحث استدلالی به اخلاق از جمله عبودیت و معاد انجام شود. انتظار می رود با تقویت عبودیت یا تبیین اهمیت معاد، عظمت دنیا در نظر دانشجو شکسته شود و پذیرش بهتری برای استدلال ها به وجود آید.

۱. نسل Z یا نسل نت به افرادی تلقی می شود که تقریباً بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ متولد شده اند. این نسل از همان ابتدای کودکی وقتی چشمان خود را به روی دنیا گشودند، توانستند پیشرفت اینترنت و سایر ابزارهای هوشمند دنیا را ببینند. شاخص ترین ویژگی آنها، استفاده زیاد از ابزارهای دیجیتال و هوشمند است.

پژوهشی در میان اساتید درس اخلاق اسلامی انجام شود تا سؤالات و شبهات اخلاقی پرتکرار دانشجویان جمع‌آوری شود، رصد و دسترسی به این سؤالات می‌تواند کیفیت تدریس و یادگیری اخلاق را در دانشگاه‌ها ارتقا دهد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط مقام معظم رهبری ارائه شده به‌عنوان یک سند بالادستی در آموزش اخلاق به دانشجویان مورد توجه باشد و براساس آموزه‌ها و دلالت‌های معنوی و تربیتی موجود در آن تحولی در کتاب‌های درسی و پیشران‌های مربوطه به‌وجود آید.

قدردانی

بدین وسیله از تمام اساتید و دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران مستقر در قم و گروه عمومی دانشگاه صنعتی قم که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند و تجارب خویش را به اشتراک گذاشتند، تقدیر و تشکر می‌شود.

منابع

- جوادی آملی، ع. (۱۴۰۰). *مفاتیح الحیات*. قم: اسراء.
- حسینی، س.ح. (۱۳۹۲). اخلاق اسلامی یا نظام اخلاقی اسلام؟ بررسی اجمالی کتاب اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳ (۴)، ۶۲-۴۳.
- داودی، م. (۱۴۰۱). *اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)*. قم: معارف.
- شریعتمدار، آ.، شریعتی، ص.، و دلاور، ع. (۱۳۹۰). تدوین برنامه آموزش هشیاری‌افزایی وجودی و هشیاری‌افزایی مبتنی بر اخلاق اسلامی و مقایسه اثربخشی آن‌ها بر افزایش رضایت از زندگی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۲ (۵)، ۹۵-۱۱۳.
- فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۹۸). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: ایران زمین.
- فضل‌اللهی قمشی، س. (۱۳۹۶). برنامه درسی قصدشده، اجراشده و کسب‌شده اخلاق اسلامی؛ ارزیابی همخوانی‌ها و ناهمخوانی‌ها. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۴ (۷۷)، ۶۳۳-۶۵۶.
- فضل‌اللهی قمشی، س.، ناطقی، ف.، و سیفی، م. (۱۳۹۴). ارزیابی محتوای برنامه درسی «اخلاق اسلامی» دانشگاه‌ها از منظر استادان دروس معارف اسلامی. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۷ (۲)، ۶۹-۹۶.
- خاقانی‌زاده، م.، ملکی، ح.، عباسی، م.، و عباس‌پور، ع. (۱۳۸۹). ضرورت طراحی الگویی برای برنامه درسی اخلاق پزشکی با رویکرد اسلامی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۳ (۳)، ۹۳-۹۹.
- معاونت امور دفاتر، اساتید و مبلغان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۳۹۱). *عناوین و*

سرفصل‌های جدید دروس معارف اسلامی (مصوبه جلسه ۵۴۲ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی).

ملکی، ح. (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: مدرسه.

موسوی، س.، و حبیبی، ر. (۱۳۹۹). نقد ساختاری کتاب اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم، براساس مدل‌های تحلیل محتوای توصیفی و ارتباطی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۴ (۱)، ۱۴۶-۱۶۵.

- Beech, J., & Gvirtz, S. (2004). From the intended to the implemented curriculum in argentina: regulation and practice. *Quarterly Review of Comparative Education*, 34 (3), 371-382.
- Giorgi, A. (1989). One type of analysis of descriptive data: procedures involved in following a scientific phenomenological method. *Journal of Methods*, 1 (3), 39-61.
- Jitendra, A.k., & Griffin, C. C. (2010). An evaluation of the intended and implemented curricula's adherence to the nctm standards on the mathematics achievement of third grade students: a case study. *Journal of Curriculum and Instruction*, 4(2), 33-50.
- Johansson, M. (2003). *A study of textbooks as the potentially implemented curriculum*. lulea: department of mathematics lulea niversity of technology.
- Luen, W. K. (2008). *Curriculum gaps in business education: a case study of stakeholders' perceptions*. thesis submitted for the degree of doctor of education at the university of leicester.
- Robitaille, D.F., Schmidt, W.H., Raizen, S.A., McKnight, C.C., Britton, E., & Nicol, C. (1993). *Curriculum Frameworks for Mathematics and Science*. vancouver: pacific educational press.
- Sachedina A. (2009). *Islamic Biomedical Ethics: Principles and Application*. oxford: oxford university press.
- Schmidt, W.H., Raizen, S.A., Britton, E.D., Bianchi, L.J., & Wolfe, R.G. (1997). *Many Visions, Many Aims: a Cross National Investigation of Curricular Intentions in School Science*. dordrecht: kluwer.